

کاریکاتوریست‌ها با احکام، بر حکام

Cartoonist (with governors,
against governors)

در طول تاریخ، ستمگران بزرگ و کوچکی وجود داشته‌اند که هنر کاریکاتور هم پا به پای آن‌ها وجود داشته است. ارتباط کاریکاتوریست‌ها و حاکمان ستمگر ارتباط پیچیده‌ای بوده است. پنهان و آشکار کاریکاتوریست‌ها از ستمگران متنفر بوده‌اند، چون تفکر کاریکاتوریست نسبت به واقعیت موضعی، منتقدانه دارد. لازمه نقد ستم وجود یک نقطه اتکای بنیادین و انسانی است که بی‌تردید با ظلم در تضاد است.

کاریکاتوریست‌هایی هم بوده‌اند که در کنار حکام ظالم و در همراهی با آن حرکت کرده‌اند. به آن‌ها کاریکاتوریست «جیبی» می‌گویند، یعنی کسانی که در دسترس‌اند و ستمگران می‌توانند آن‌ها را هر وقت که اراده کنند، در جیب‌هایشان بیابند. نکته قابل توجه این‌ها آن‌ها نیز در باطن و پنهانی چندان ارادتی نسبت به این ستمگران ندارند. از سوی دیگر، همه ظالمان همواره از کاریکاتوریست‌ها متنفر و حتی از کاریکاتوریست‌های «جیبی» خودشان نیز بیزار بوده‌اند. چون هر لحظه احتمال می‌داده‌اند که این موجودات دست‌آموز علیه‌شان اقدام کنند.

ستمرگان بزرگ همیشه ایده آل‌ترین سوژه‌ها برای کاریکاتوریست بوده‌اند، کسانی مانند ناپلئون، هیتلر، موسولینی و یا استالین، با بررسی کاریکاتورهایی که از این مستبدان کشیده شده است، می‌توان دریافت که آنان لشکری از کاریکاتوریست‌های جیبی را به وجود آورده بودند.

تا همواره مدح آن‌ها را بگویند و علیه دشمنان داخلی و خارجی شان طرح بکشند. این حکام به همان اندازه که از کاریکاتوریست‌های جیبی خود حمایت می‌کرده‌اند، آنان را تهدید نیز می‌نموده‌اند. درهای زندان‌ها و اردوگاه‌های کار اجباری هیچ‌گاه بر روی این کاریکاتوریست‌ها بسته نبوده است. رابطه این کاریکاتوریست‌ها و حاکمان ستمگرشان همواره شبیه رابطه میان سگ‌ها و صاحبان ظالم آن‌ها بوده است.

در هر صورت، همیشه بهترین کاریکاتورها آن‌هایی‌اند که حکام ظالم را به نقد می‌کشند، حکامی که بیش‌ترین تلاش‌شان را می‌کنند تا کاریکاتوریست‌های منتقد را از بین ببرند. از همین رو، همواره لشکری از پلیس‌های مخفی مجرب در دستگاه این حاکمان وجود داشته است که از کاریکاتوریست‌های خارجی که براحتی نمی‌توانسته‌اند آن‌ها را مجازات کنند، متنفر بوده‌اند، برای مثال، ناپلئون برای دولت انگلستان پیغام می‌فرستاد که در کشور شما کاریکاتوریست‌هایی‌اند که مرا نقد می‌کنند. آن‌ها با قاتلان فرقی ندارد. آن‌ها را توقیف کنید.

هیتلر هم پس از تصرف مسکو تهدید کرد که کاریکاتوریست‌ها را دار خواهد زد.

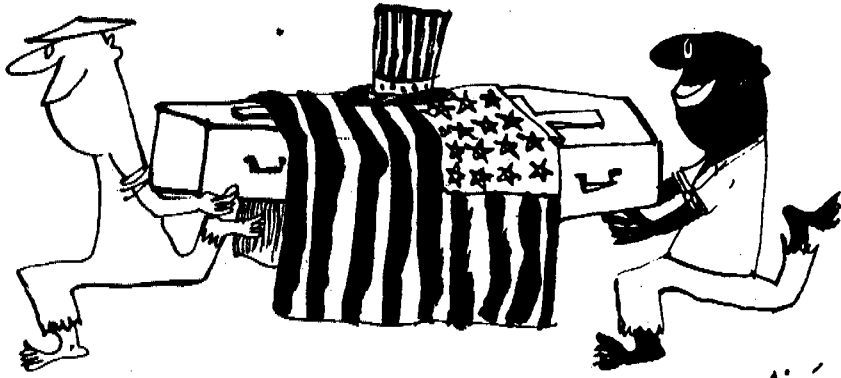
در طول تاریخ، چنین برخوردهای خصمانه‌ای از سوی حکام ظالم با کاریکاتوریست‌ها کم نیست و نحوه برخورد کاریکاتوریست‌های آزاد هم با مستبدان ستمگر چندان مبهم نیست. آن‌ها همواره شخصیت و سیاست‌های ظالمان را به نقد کشیده‌اند. در حقیقت، حکام ظالم جذابیت‌آسب شناخته‌شده‌ای برای کاریکاتوریست‌ها داشته‌اند و هر چه حاکم بزرگ‌تر بوده، این مجذوبیت بیش‌تر بوده است. ستم‌بهرترین سوژه برای طنز است

ولادیمیر کازانسکی
مترجم: علی هاشمی شهرکی



38. «Демократическая» Америка приветствует освобождающийся Китай. «Приветствие» это обошлось уже Нанкину в 7000 жертв. 1927

39. Мавна 20-го июня. 1926



sine



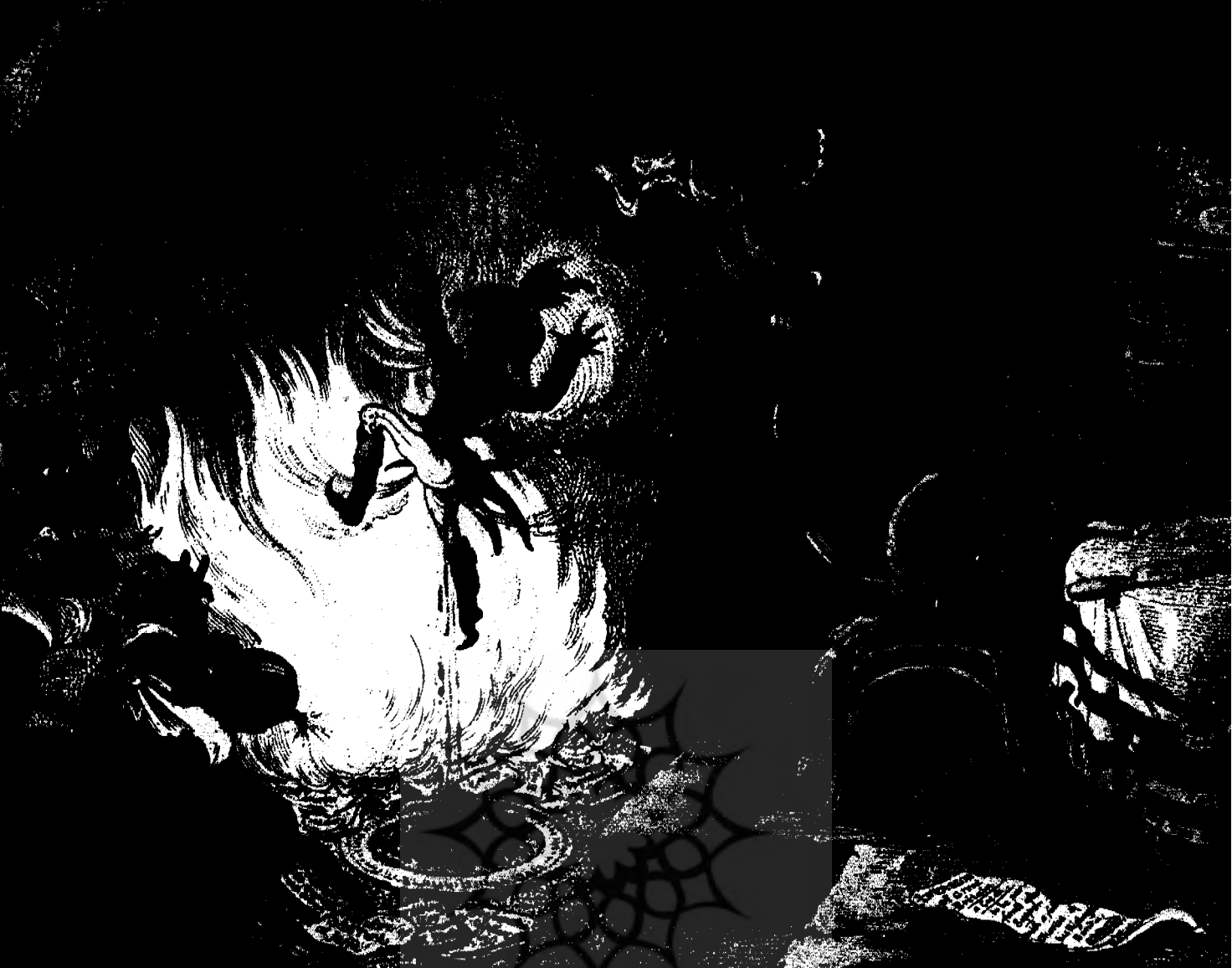
ZLATI
MIKHAIL ZLATKOVSKY
Russia



ЧАН-КАЙ-ШИ МУССОЛИНИ ЦАНКОВ НИКОЛАИ
Со.Розе

وحاکمان ستمگر به این ستم هویت می داده اند. کاریکاتورست مجبور بوده است با ظلم بجنگد، همان طور که دن کیشوت مجبور به جنگ با دیو خود بود.

تاریخ کاریکاتور ریشه های عمیقی دارد که به قرن ۱۲ پیش از میلاد باز می گردد. در آن زمان، تصویر رامسس سوم به شکل یک شیر وحشی و خشمگین کشیده شد و از آن پس « حاکم ظالم » سوژه کاریکاتور گردید. کاریکاتورست ها بر دیوار خانه ها اثاثیه خانه، کتاب ها، مجلات و روزنامه ها کاریکاتور آن ها را تصویر می کردند. کاریکاتور مدرن سیاسی در قرن ۱۸ میلادی متولد شد و در قرن ۱۹ به علت ظهور ناپلئون به شکوفایی رسید. ناپلئون در آن زمان طرفداران و رقیبان زیادی داشت، ولی کاریکاتورست های انگلستان، روسیه، آلمان، اسپانیا و ایالات متحده، آمریکا علیه او اعلام جنگ طرز کردند و در این جنگ به پیروزی هم رسیدند. ناپلئون توانایی پاسخ دادن با طنز را به منتقدان خود نداشت و تنها با تهمت های پیش پا افتاده در صدد پاسخ گویی



LA MARCHÉ SUR VARSOVIE



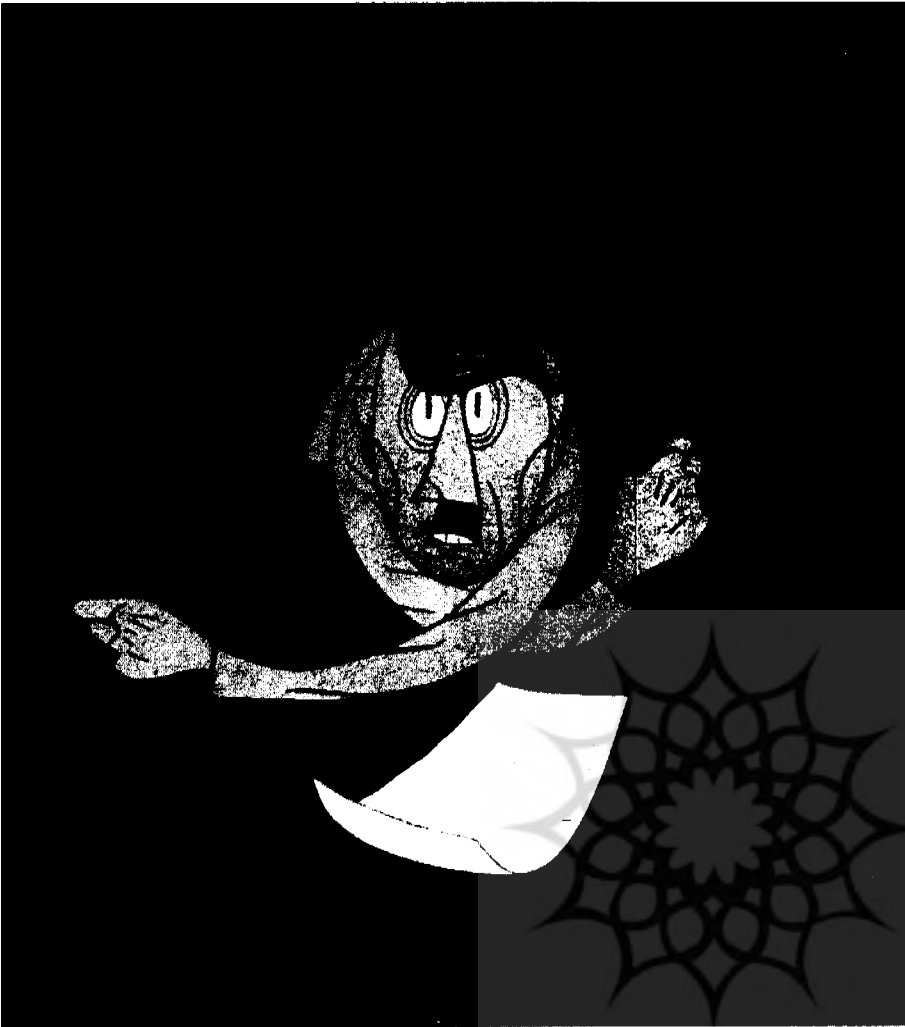
که از آلمان اخراج شدند. کاریکاتوریست هایی که بخت با آن ها یار بود ، توانستند به کشورهای دیگر فرار کنند و از آن جا به نبرد نقادانه خود ادامه دهند.

چنین روابطی میان حاکمان ظالم و کاریکاتوریست ها در کشورهای دیگر هم وجود داشته است . کاریکاتوریست ها مانند زنبور به دور ظالمان و زورگویان می چرخند ، بعضی از این زنبورها رام شدند و علیه دشمنان حاکمان کاری می کنند و بعضی دیگر روح آزادی دارند و برای ضدیت با ظلم تربیت شده اند ، کسانی که تلاش می کنند ظالمان را نیش بزنند .

سرانجام تمام حکام ظالم و ستمگر سقوط می کنند و امپراتوری های قدر قدرتشان نابود می شود دولت های جدید قادر به گفتن حقیقت درباره ظلم ظالمان سقوط کرده هستند و تمام کاریکاتوریست ها ، اعم از مصلحت جو و آزاده ، هم رای می شوند



و عموماً از سوزه هایی مشابه استفاده می کنند . برای مثال ، پیش از سقوط کمونیسم در اروپای شرقی صدها کاریکاتور با سوزه مجسمه های افتاده و پائین کشیده شده ارائه شد . روابط دولتهای دموکراتیک با کاریکاتوریست ها کاملاً متفاوت است . آنان از کاریکاتوریست ها نمی ترسند ، بلکه عموماً از تنوع آزاد اندیشی خوششان می آید و کاریکاتوریست ها را به نقد خود دعوت می کنند . این نوع کاریکاتورها تبلیغات رایگان برای این دولتها به حساب می آید و بر حسن شهرت آن ها تاثیر مثبت دارد . چون میان مسئولان جامعه دموکرات و مردم جامعه هیچ تضاد و کشمکش وجود ندارد . میان حاکمان ظالم و کاریکاتوریست ها همیشه رابطه ای قوی وجود داشته است و نوع برخورد حاکمان نسبت به کاریکاتور می تواند معیاری مناسب برای سنجش مقدار ظلم آن ها باشد .



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پرتال جامع علوم انسانی

